



● پاسخی به نقد شیوه آموزش املای فارسی

■ احمد احمدی بیرجندی

اشاره:

در پی چاپ نقد همکار محترم، آقای علی رفیعی جیردهی بر کتاب «شیوه آموزش املای فارسی و نگارش» استاد احمد احمدی بیرجندی پاسخی ارسال داشته‌اند که با تشکر از ایشان نسبت به چاپ آن اقدام کردیم.

رشد ادب فارسی

نقد دوست و همکار ارجمند جناب آقای علی رفیعی جیردهی را زیارت کردم و از آن بسیار لذت بردم. دبیری جوان و معلمی هوشیار وقتی نوشته یا کتاب معلمی قدیم و بازنشسته را با دقت بخواند و آن را به محک زنده نشاندن دلسوزی منتقد است و تمهیدی نسبت به شغل خطیر خود. از طرفی به قول سعدی: «مستکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد.» بنده نه تنها از چاپ نوشته برادرم افسرده نمی‌شوم بلکه بسیار خوشوقت می‌شوم.

ضمن سلام به همکار عزیز و همکاران ارجمند در کار مقدس معلمی به شرح نکاتی می‌پردازم که هم پاسخ آقای رفیعی است و هم قصور و تقصیری که در چاپ برخی مطالب پیش آمده است و من ضمن نامه‌ای اشکالات مطبوعی را تذکار داده‌ام. امید که در چاپهای بعد اشکالات مطروحه رفع شود.

۱ - یکی از دردهایی که در کشور ما هنوز درمان نشده و یا به این زودی درمان نخواهد شد غلط مطبوعی است. در صفحه اول پیشگفتار به قلم جناب آقای دکتر حداد عادل سطر ۱۶ کلمه «مهجور» را «محجور» چاپ کرده‌اند! ۲ - در صفحه عنوان قرار بر این بود که عبارت «برای معلمان ابتدایی» حذف شود و به جای آن «برای معلمان مدارس» چاپ شود که نشد!

برخی مطالب این جزوه مشترک است بین همه مقاطع تحصیلی مانند شیوه دیکته گفتن و تصحیح کردن آن ولی برخی مطالب مانند مشتقات بیشتر به درد راهنمایی و دبیرستان می‌خورد. و برای ابتدایی طرح آن ثقیل است. و در این مورد حق با همکار عزیز من است.

۳ - در بخش (۲) نامه همکار عزیز آمده است: «... املا و نگارش را با ویراستاری به

زبان امروز مساوی دانسته‌اند.» بنده چنین قصدی نداشته‌ام و اعتقاد بنده این نیست. «ویراستاری» که امروز فنی خاص است در برخی مسائل با شیوه املا و نگارش درآمیخته است ولی مسائل خاص خود را هم دارد که جای بحث آن در این مختصر نیست. «نقاد» و «نقادی» هم موضوع دیگری است.

۴ - در بخش سوم نامه خود آقای رفیعی نوشته‌اند: «[احمدی] خواسته یا ناخواسته در کاربرد واژگان عربی زیاده‌روی فرموده‌اند. (کذا فی الاصل!)» در صفحه ۲۱ اگر لغات عربی آمده است لغاتی است معمول و قابل فهم برای همه مردم و بالاخص معلمان - و اگر در صفحه ۳۹ لغات عربی آمده است برای نشان دادن کلمات متضاد است مانند: (پروودت) و (حرارت) (راجل و راکب) و یا لغات مشابه که گاه در املا پیش می‌آید مانند (فراغ) و

(فراق).

- ۵ - در بخش ۴ نوشته اند: «گاه نمونه‌ها یا مثالها بی مأخذ است نظیر دو نمونه‌ای که صفحه ۲۴ آمده است» در صفحه مذکور مثال اول از یک کتاب کودکان و بخش دوم از (کلیله و دمنه بهرامشاهی) است چون منظور آوردن چندسطری برای نمونه بسوده است و نظایر آنها بسیار است. ضرورتی در ذکر مأخذ ندیده‌ام. اگر ازیمن بسابت همکار عزیز ناراحت‌اند در چاپ بعد جبران خواهد شد.
- ۶ - «بافت کلمه» یا سهواً قلم بنده است یا غلط مطبعی، حق با همکار محترم است.
- ۷ - دربارهٔ صفحه ۳۸ و ۳۹ در بند (۴) همین نامه پاسخ عرض کردم و نیازی به تکرار نیست.
- ۸ - ایرادی که مربوط به صفحه ۴۰ شماره ۴ آمده است حق با برادر عزیز من است. باید «صورت صحیح واژه‌های غلط در حاشیه بسا قلم قرمز نوشته شود.» چاپ شود.
- ۹ - منظور همکار عزیز را از بخش (۸) مربوط به صفحه ۴۳ کتاب بند (ه) نفهمیدم. خوب است توضیح بیشتر بدهند. اگر از عهدهٔ بنده برآید با کمال میل اطاعت خواهم کرد.
- ۱۰ - بخش (۹) مربوط به بند (و) اصطلاح (یای ابتر) یا (یای کامل) مانند: (خانهٔ حسن) یا (خانهٔ حسن) که ظاهراً هر دو وجه درست است و به هر حال. (یاء کوتاه شده همزه نیست)
- ۱۱ - دربارهٔ بخش (۱۰) دربارهٔ اصطلاح (سجاوندی) دانستن آن بهتر از ندانستن است و اینکه این جزوه برای مقاطع دبیرستان و راهنمایی نوشته شده است در اول نامه جواب عرض کردم.

- ۱۲ - بخش ۱۱ نامهٔ منتقد محترم مربوط به صفحه ۴۷ بخش ۴ چون مشکلات املا منبعث از زبان عربی در زبان فارسی است؛ ناگزیر باید در حد احتیاج قواعد عربی را یاد گرفت و به اشتقاق آن زبان آشنا شد؛ بدین جهت بنده اشتقاق زبان عربی و آشنایی بدان را در املا و درست‌نویسی بسیار واجب می‌دانم.
- ۱۳ - آن چه در صفحه ۵۸ آمده است؛ حروفچین در چاپخانه آنها را به تصور اینکه یک بیت است، نادرست چیده تنها دو مثال است. اولی نثر است و دومی مصرع‌ی از ایرج میرزا.
- ۱۴ - صفحه ۶۴ توضیح کلمهٔ ابتر اگر تکرار هم باشد زبانی ندارد.
- ۱۵ - در بخش ۱۴ شعر ابونصر فراهی بد چیده شده و خلطی پیش آورده است. کلمه (رهگذر) پایان بیت است که در سطر بعد آمده و حق با شماست.
- ۱۶ - یادآوری ۴ (در صفحه ۷۲) تذکاری است مفید. اجازه فرمایید در جای خود باشد.
- ۱۷ - در بخش ۱۶ مربوط به صفحه ۷۶ نمونه‌هایی از لغات متشابه است. بنده مع التأسف از کتاب جناب آقای محمد آینی خبری ندارم و آن را ندیده‌ام مأخذ بنده بیشتر - در موضوع لغات متشابه کتاب (ارکان سخن تألیف محمدحسین رکن‌زاده آدمیت) بوده است.
- ۱۸ - در مورد لغات متشابه فارسی، میدان چندان وسیع نیست مگر آنکه استقصایی بنام و کمال شود.
- ۱۹ - راجع به تکرار بند (۴) از صفحه ۲۹ در صفحه ۳۱ شماره ۱ و موارد دیگری که همکار عزیز تحت عنوان (تکرار) از آنها یاد

کرده‌اند در حقیقت تأکیدی برای معلمان عزیز و زحمت‌کشی است که از جان خود مایه می‌گذارند و سعی می‌کنند، مانند نویسندهٔ محترم نامهٔ ما نحن فیه، به لوازم تعهد خود دربارهٔ تعلیم و تربیت عمل کنند و اگر به یاد بیاوریم که قدم‌ها می‌گفتند: (الدرس حسراً و التکرار الف) در مورد کتابهای درسی و مباحثات مدرسی این تکرار ضروری است. با تشکر فراوان از همکار عزیز آقای علی رفیعی جیردهی و حسن ظن ایشان به ایسن کمترین بندگان بازهم منتظرم اگر اشکالی برای ایشان باقی مانده باشند به مسجله رشد ادب فارسی مرقوم نمایند تا پاسخ لازم عرض شود.

با آرزوی موفقیت شما و همهٔ همکاران